

عبدالله بن احمد از پدرش روایت میکنند کہ عاصم قاری قرآن و مردی صالح و خیر و ثقہ بود، مردم کوفہ قرائت او را برگزیدند. ابو بکر بن عیاش گفت: یکسان بودند اعمش و عاصم و ابو حصین ہر سہ نایبنا بودند، و جاء رجل یقود عاصماً فوق وقعہ شدیدة فما کرهہ ولا قال شیئاً.

فرا گرفت عاصم قرائت را از ابو عبدالرحمان السلمی و ابو رویم زر بن حبیش، ابو عبدالرحمان فرا گرفته است از علی بن ابی طالب و زید بن ثابت و ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود. حفص می گوید: عاصم بمن گفت «النتی اقرأتک بها فہی النتی قرأت بها علی ابی عبدالرحمان السلمی عن علی بن ابی طالب، والنتی اقرأتها علی ابی بکر بن عیاش فہی النتی کنت اعرضتها علی زر بن حبیش عن عبدالله بن مسعود.» عاصم در قرائت بیان فصاحت و اتقان و تحریر و تجوید را جمع کردہ بود. فكان احسن الناس صوتاً بالقرآن، اذا تکلم کاد یدخلہ خیلاء.

عبدالله پسر امام احمد بن حنبل میگوید: پدرم را از عاصم پرسیدم گفت او مردی صالح و خیر و ثقہ بودہ است. پس پرسیدمش کدام قرائت را دوست تر داری؟ گفت قرائت مردم مدینہ، و اگر نمی بود قرائت عاصم را. روایت حدیث کردہ است عاصم از زر بن حبیش و ابو عبدالرحمان السلمی و ابو وائل و ابو صالح السمان و ابو زرین و مسیب بن رافع و دیگران روایت کردہ اند از او بسیاری از اعلام. محمد بن سعد در طبقات می گوید: کان عاصم ثقہ الالہ کثیر الخطاء فی حدیثہ کثیری جزری گفته است: یحتمل کہ در آغاز چنین بودہ.

در گذشت عاصم در پایاں سال ۱۱۷ ہجری در کوفہ، سال ۱۲۸ ہم گفته اند، در پایاں روزگار دولت بنو امیہ. اہوازی گفته است: عاصم از عراق بسوی شام میرفت در سواہ در گذشت و همانجا بخاک سپردہ شد. ابن عیاش میگوید: در آمدم بر عاصم دردم و افسین ابن آبیہ ورد زبانش بود: «ثم ردوا الی اللہ مولیہم الحق».

روایت کردہ اند قرائت عاصم را حفص و شعبہ، و اختلفوا اختلافاً شدیداً فی

حروف کثیرة.

حفص بن سلیمان

ابو عمر حفص بن سلیمان بن المغیره الاسدی (بالولاء) الکوفی - الغاضری، البزاز. و يعرف بحفص الامام القاری. گفته اند نام نیایش مغیره بوده است.

حفص بن سلیمان از بزرگان ائمه قرائت است. حفص بسال ۹۰ هجری در روزگار ولایت ولید بن عبدالملک در کوفه بجهان آمد. پسرزن عاصم و یتیم بود و با او از خردی در یک خانه می نشست. فراگرفت قرائت را از عاصم عرضاً و تلقیناً.

حفص قرآن مجید را پنج آیه، پنج آیه از عاصم فراگرفت و عرض کرد بر او کتاب کریم را مراراً. پیشینیان حفص را در حفظ برتر از ابو بکر بن عباس می شمردند و وصف می کردندش بضبط حروفی که عاصم بآن قرائت کرده است. دانسی درباره اش میگوید: اخذ قراءة عاصم علی الناس تلاوة.

حفص روایت کرده است از عاصم عامه قراءات را مسنده و از سماک و حماد بن ابی سلیمان و سدی. ابوب بن المتوکل (از قاریان بصره) می گفت: قرائت حفص صوابتر از ابوبکر بن عباس است و ابوبکر اوثق از حفص است. یحیی بن معین گفت: روایت صحیح از قرائت عاصم روایت حفص است، او برتری دارد بر شعبه بضبط قرائت.

حفص در هیچ چیز از قرائت عاصم مخالفت نکرده است مگر در حروف الروم (الله الذی خلقکم من ضعف) که حفص بضم قرائت کرده است و عاصم بفتح. ابن مجاهد میگوید. خلاف میان حفص و ابوبکر بن عباس در ۵۲۰ حرف است، فی المشهور عنهما.

خود حفص گوید: بعاصم گفتم: ابوبکر در قرائت با من مخالفت میکند، عاصم گفت: قرائتی که بتو آموختم قرائتی است که از ابو عبد الرحمن السلمی از علی بن ابی طالب فرا گرفته ام و قرائتی که با او آموختم قرائتی است که از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود فرا گرفته ام.

روایت کرده اند قرائت را حفص، عرضاً، حسین بن محمد المرزوی و حمزة بن القاسم الاحول و سلیمان بن داود الزاهرانی و حمدان بن ابی عثمان الدقاق و عباس

بن الفضل الصفار و عبدالرحمان بن محمد بن واقد و محمد بن الفضل زرقان و خاف الحداد و عمرو بن الصباح و عبید بن الصباح و هبیره بن محمد التمار و ابوشعب القواس و فضل بن یحیی الانباری و حسین بن علی الجمفی و احمد بن جبیر الانطاسکی و سلیمان الفقیمی .

حفص از کوفه بی بغداد رفت و در جانب شرقی دارالسلام فرود آمد چند گاهی در آنجا قرائت کرد و مردم بغداد قرائت عاصم را تلاوتاً از او فرا گرفتند .
حفص چندی هم از عراق به حجاز رفت ، مجاز مکه مکرمه شد ، و در حرم قرائت کرد .

حفص روایت حدیث کرده است از سماک بن حرب و علقمة بن مرشد و ابواسحاق السیعی و لیث ابن ابی سلیم و ابواسحاق الشیبانی و عاصم بن ابی النجود و عبدالملک بن عمیر و عاصم الاحول و کثیر بن شنظر و قیس بن مسلم و کثیر بن رذان و دیگران ابن المدینی و دیگران حفص را ضعیف الحدیث دانسته اند . و کعب او را نقه شمرده . نسائی حدیثش را در سند خود آورده است . ذهبی میگوید : حفص در قرائت نقه و ضابط است بر خلاف حالش در حدیث .

حفص نزدیک نود سال زیست و بسال ۱۸۰ هجری . در روزگار ولایت هارون الرشید ، در گذشت .

شعبة بن عیاش و مطالعان قرظی

ابو بکر شعبه بن عیاش (بکسر العین) بن سالم آلای النهشلی الکوفی الخیاط الامام العلم مولی واصل بن حیان الاحدب الاسدی . وقیل مولی بنی کاهل بن اسد بن خزیمه .

شعبة بن عیاش از اعلام مشایخ و بزرگان قراء و علماء و محدثین و فقهای کوفه بود . در نامش خلاف بسیار کرده قتیبة ، محمد ، عبدالله ، سالم ، شعبه و مطرف گفته اند . و الصحیح انه لا يعرف الا بکنیة ، گفته اند نامش کنیه اش بوده (ابوبکر) ولی اشهر شعبه است و غلبه کرده است کنیه اش بر نامش . ابوالحسن اهوازی مقرئ مینویسد : و انما وقع هذا الاختلاف فی اسمه لانه کان رجلاً مهیباً فکانوا یهابونه ان یسألوه . اختلاف

در نام پسر عیاش ازین رو پدید آمد که او مردی مهیب بوده عظمت و مهابت مردم را باز میداشت که نامش را از خودش پیرسند .

شعبه بسال ۹۷ هجری زاد، در روزگار ولایت سلیمان بن عبدالملک ابن جان میگوید: شعبه بسال ۹۵ یا ۹۶ هجری جهان آمد. امام احمد بن حنبل میگوید: کمان میکنم ولادتش بسال ۱۰۰ بوده است. یوسف بن یعقوب الصفار گفت شنیدم از ابوبکر بن عیاش که میگفت، هجری جهان آمد در روزگار سلیمان بن عبدالملک بسال ۹۷ و گرفتم رزق عمر بن عزیز را .

شعبه عالمی ناسک و متعبد بود، کان من الزها دالورعین و الاخیار المتعبدین سی سال برای او در شب فراش نکستردند. هفتاد سال روزها روزه گرفت و شبها را بعبادت قیام کرد. کان شعبه من العباد الحفاظ المتقین و کان لایعلم له باللیل نوم. محمد بن الحجاج بن جعفر الضبی گفت: ابوبکر بن عیاش بقوم اللیل فی قباء صوف و سراوئل و عکازة یضعها فی صدوره فیحیی لیلته .

ابان بن هشام الرفاعی میگوید ابن عیاش گفت: بالا خانه می دارم که عاجزم از بر آمدن آن و مرا باز نمیدارد از ترک کردنش جز اینکه شصت سال است شبانه روزی یک ختم قرآن در آنجا میکنم .

نام ابوبکر بن عیاش نزد پزید بن هارون برده شد گفت: حبر فاضلی بود چهل سال پهلو بر زمین نگذاشت ابن عیاش در آن یافته است فرزند و ذا الرمه را و روایت کرده است پاره می از اشعار آن دو شاعر نامی را :

ابوبکر بن عیاش مقدم میداشت علی بن ابی طالب را بر عثمان بن عفان ولی غلو نمی کرد در تشیع و لا یقول الا خیراً. ذکر یابن یحیی گفت شنیدم از ابوبکر بن عیاش که میگفت: اگر ابوبکر و عمر و علی هر سه نزد من برای حاجتی بیایند البته آغاز خواهی کرد بحاجت علی پیش از ابوبکر و عمر، بواسطه قرابتش با رسول خدای روزی در کشتی نشسته بود به مردی رافضی گفت آیا در جهان مردی نادان تر از شما هست؟ تزعمون ان هذا الامر کان لصاحبکم فتر که فی حیاته و سلمه لغیره تم تبغون ان تأخذوا له بعد و فاته ؟